

ولایت فقیه در قرن ۲۱ تجربه ای تلخ تر از ولایت پاپ در قرون وسطی

این نوشتار بیان مقایسه ای حقایق بوده و در تایید یا رد هیچ دین و فرقه ای نمیباشد و هدف، تلاش برای بیداری مردم، شناساندن خرافات دینی و افشای فساد و تناقضات فاحش در عملکرد رهبران ایران با شعارها و ادعای اجرای دسنورات خدا و قران است.

پس از گذشت ۳۷ سال از حکومت باصطلاح مذهبی در ایران و پیامدهای ویرانگر جبران ناپذیر آن بر کشور، جامعه و زندگی مردم، سوال اینجاست که منشا این بدبختیها چیست، مذهب یا حکومت دینی یا مردم؟ و چگونه میتولن مانع از ادامه این سیکل معیوب شد؟ به بیان دیگر نقش روحانیون و افراد مذهبی در انحطاط ارزشهای اخلاقی و انسانی چیست؟ چرا جنایت، تجاوز به حقوق مردم، فساد، دزدی و غارت بیت المال در حکومتهای مذهبی شدیدتر و عملا غیرقابل کنترل است؟ دلیل دوام حکومتهای مذهبی باوجود فساد و جنایت روزافزون چیست؟ و مردم چگونه میتوانند از خفقان و ظلم و جنایت این حکومتها رهایی یابند؟

سازگار نبودن خرافات مذهبی با حقایق علمی مهمترین دلیل انکار عقل و دانش و اشاعه نادانی و خرافات از سوی حکومتهای مذهبی است. در حکومتهای دینی، قدرت نه از سوی نهادهای مدنی و اجتماعی کنترل و نه از سوی نهادهای دینی مهار میشود و در نتیجه به فساد وسیع و سوء استفاده از قدرت میانجامد، یعنی وضعیت کنونی ایران. در اینجا مهمترین وظیفه روحانیون مذهبی ساختن روایت و صدور فتوا جهت توجیه فساد، تجاوز و جنایت است که در سیکل معیوب باعث گسترش بیعدالتی، تشدید ظلم و فساد و جنایت میشود. به بیان بسیار ساده، برخلاف آنچه توسط شیادان مذهبی عنوان میشود، حقیقت واقعی اینست که **دین کاملا از سیاست جداست.**

تعاریف بسیاری از دین توسط نویسندگان مختلف عنوان شده، بطور خلاصه گروهی آنها افیون توده ها و گروهی مایه سعادت بشر نامیده اند. جدای از هرآنچه در تعاریف آمده، تنها چیزی که نمیتوان انکار کرد اینست که **“دین ساده ترین و مهمترین منبع درآمد و بهترین و سودآورترین تجارتهاست”**، و بالطبع، **“دستورات شرع قابل توجیه ترین دلیل در انجام شنیعترین جنایات و تجاوزات میباشد”**.

و اما حکومت دینی چیست؟ با نگاهی ساده به تاریخ براحتمی میتوان باین نتیجه رسید که **“حکومت دینی نوعی دیکتاتوری همه گیر میباشد که بواسطه آن گروهی شاید بدون داشتن دانش لازم و کافی سعی در دخالت، نظارت و کنترل کامل تمام حوزه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی کشور میکنند”**. به بیانی دیگر شرع تا زمانی که در چارچوبی حریم خصوصی و شخصی میباشد میتواند مایه سعادت بشر باشد ولی هنگامی که به حکومت، سیاست و جامعه رخنه میکند بشکل فساد و جنایات افسار گسیخته و غیر قابل کنترل است که باعث نابودی بشریت میشود. شیوه حکومتهای مذهبی بهره کشی و سوءاستفاده از عوام و کنترل و مهار آنها بایجاد رعب و وحشت از خدا و گسترش خرافات و فقر است. به بیان دیگر، سرمایه با ارزش روحانیون مذهبی **ترس و نادانی مردم** است. در حقیقت **حکومت دینی همان نظام برده داری** است با تغییر اسامی و القاب، اشراف زاده و نجیب زاده به **خواص**، برده به **عوام**، و برده داری به **ولایت و خلافت!**

براستی دلیل انشعاب مذاهب و ایجاد روزافزون فرقه های مذهبی چیست؟

براساس نظریه شایع در جامعه، اختلاف در تشخیص مصداق رهبر و امام، دلیل اصلی انشعاب مذاهب است. ولی واقعیت در رشد سرطانی فرقه های مذهبی خلاف اینست زیرا شواهد نشان میدهد که اکثریت قریب به اتفاق فرقه ها جهت کسب انحصاری قدرت و منافع مادی با سوء استفاده افرادی شاید از نادانی عوام و کج فهمی مردم شکل گرفته است. در مدت هشتاد سال از قیام مختار حداقل ۱۸ فرقه اصلی از مذهب شیعه منشعب شد که همه منسوب به خاندان پیامبر بوده و ادعای نمایندگی خدا باستناد روایات و احادیث مستند از افراد مشابه از یاران و صحابه پیامبر داشتند. به بیان دیگر، شروع اختلافات ظاهرا عقیدتی و مذهبی نه در اصول عقاید بلکه در **انحصار ثروت و قدرت** است، یعنی **خدا و اصول شرع بهترین، آسانترین و مطمئن ترین راه برای شیادی و کسب قدرت و منفعت** میباشد، و **بهترین پوشش برای دزدی و فساد و قابل توجیه ترین دلیل برای قتل و جنایت**. این مقوله در مقیاس بسیار کوچکتر در بین گروههای قرآنی و دسته های عزاداری مساجد و حسینیه ها قابل مشاهده است. اساس حکومتهای مذهبی بر **نفاق و دروغ روحانیون**

و سوء استفاده از نادانی عوام با گسترش خرافات شکل گرفته است. چاپلوسی، تقدس گرایی (معصوم Saint) و القای کلام به عوام از زبان خدا و پیامبران و معصومین و ترس از خدا و عذاب، رمز پیروزی و دوام حکومت‌های مذهبیست. چنانچه شاهدیم قتل عام هزاران نفر بیگناه در سراسر جهان با انفجارهای انتحاری به فتوای عده ای شیاد، با فریب عوام و وعده آمرزش و بهشت.

در ابتدا برای پی بردن به شباهت غیرقابل انکار ولایت پاپ در قرون وسطی و ولایت فقیه امروز، به چند نمونه از معروفترین جمالات آسمانی (حدیث) برخی از قدیسان (معصومین) و روحانیون کلیسا اشاره میشود که در این ۳۷ سال بارها باشکال مختلف از زبان چاپلوسان حوزه و دانشگاه و مداحان در ایران شنیده شده است:

۱. آگوستین قدیس میگوید: “هرکه در هنر و فلسفه ماهر باشد از پایه فاسد و گمراه است زیرا از شهر شیطان است که خداوند آنرا نمیپذیرد!”.

۲. روبرت بیلارمین در قرن ۱۷ بیان میکند: “مسیحی کسیست که از پاپ و اسقفهای منسوب به او اطاعت کند”.

۳. لوردین در ۷ فوریه ۱۶۱۵ مینویسد: “ما پیوسته سوگند خود را مبنی بر اینکه سگان سیاه و سفید آستان پاپ هستیم بیاد داریم”.

۴. پاپ اینوکنتیوس سوم در قرن ۱۲ ادعا کرد: “تمام جهان باید زیر نگیان ولایت روحانی من باشد”.

و تاریخ همیشه تکرار میشود ولی متاسفانه بشر چنان غرق در نادانی و خرافات است که از آن عبرت نمیگیرد.

این مقاله در ۳ بخش تنظیم شده است، تشابه ولایتهای مذهبی در قرون وسطی و قرن ۲۱ و علل دوام حکومت‌های مذهبی و راه حل‌های نجات کشور از ویرانی بیشتر.

قسمت اول

ولایت پاپ در قرون وسطی

تنها چیزی که از تاریخ قرون وسطی برای مردم بیان میشود، کشتار مسلمانان توسط صلیبیان با فتوای پاپ و دستور فقیهان مسیحی ست. ولی این تنها گوشه ای از واقعیت است.

قرون وسطی یا قرون تیره از مهمترین مراحل تاریخ اروپای غربی ست که از سال ۴۰۰ میلادی تا سال ۱۴۰۰ ادامه یافت. در مدت بیش از ۱۰ قرن روحانیون و فقیهان مسیحی و به بیانی دقیقتر ولایت پاپ بر تمام جامعه اروپا سیطره انداخت. کلیسا ایمان به ولایت پاپ را واجب دانسته و اطاعت از پاپ تنها راه نجات بشر شناخته و معرفی شد. پاپ با عنوان “قائد اعظم” نام برده میشد و ادعای حکومت بر جهان داشت. سالهای سیاهی که خرافات توسط روحانیون بیسواد مذهبی با تکیه بر جهل و نادانی مردم در جامعه رواج پیدا کرد بطوری که هر پدیده عجیب که توسط کلیسا و مبلغین مذهبی قابل توجیه نبود (زلزله، طوفان، خورشید گرفتگی) بعنوان عذابی از طرف خدا برای تنبیه کسانی قلمداد میشد که به مسیح، ولایت پاپ و کلیسا ایمان نداشته و از روحانیون مذهبی اطاعت نمیکنند. قاطعانه میتوان گفت که سوء استفاده از نادانی مردم و بهره برداری از خرافات با ایجاد ترس و وحشت، مهمترین عامل پیروی مردم از کلیسا بود. همزمان کلیسا با ایجاد جو امنیتی، اختناق و کنترل شدید مردم و دانشمندان، مانع از اطلاع رسانی حقایق و وقایع علمی به مردم میشد. به بیان دیگر تفکر، علم و آگاهی مهمترین دشمن دین فروشی روحانیون شیاد مذهبی بود.

در این دوران جامعه به دو گروه اصلی تقسیم میشد:

۱. ثروتمندان، کارخانه داران، صاحبان املاک و اراضی، بیابانها و کوهها که شامل روحانیون مذهبی و نظامیان و وابستگان آنها بودند (گروه خواص در تقسیم بندی حکومت ولایت فقیه)

۲. طبقه عظیم و گسترده مردم عادی، کارگران، دهقانان که در فقر و تنگدستی بسر میبردند (گروه عوام در تقسیم بندی حکومت ولایت فقیه، یعنی بیش از ۸۰ میلیون جمعیت شامل ۲۴ میلیون خانوار)

در شروع قرون وسطی علی رغم حرکت موازی و همکاری نزدیک بین نظام سیاسی (دولت) و نظام مذهبی (کلیسا)، تضادهایی بین آنها بچشم میخورد ولی با گذشت زمان روحانیون مذهبی بتدریج کنترل سیاست و جامعه را در دست گرفتند چرا که حاکمان سیاسی برای تداوم خود نیاز به نوعی عقاید و ایدئولوژی داشتند تا با کمک آن بتوانند اعمال و رفتار غیرانسانی خود را توجیه و اقدامات جنایتکارانه خود را مشروع سازند. در این مقوله، چیزی بهتر از سخنان خدا از زبان رهبران و روحانیون مذهبی قادر نبود این ظلم و فساد و دزدی و جنایات را مشروع سازد. درحقیقت پایه های فقهی و شرعی فساد حکومت فراهم شد. به بیان دیگر، کلیسا و روحانیون مذهبی رفتارهای غیرانسانی، فساد، تجاوز و جنایات را تقدیس میکردند و متأسفانه توده های نادان عوام سر تعظیم فرود میاورند. بتدریج مرزبندی تفکیک دین و سیاست از میان برداشته و کلیسا داعیه سیطره بر عالم سیاست، اقتصاد و جامعه شد. به عبارت دیگر، عملاً بین دین و سیاست وحدت شومی ایجاد شد بشکلی که پادشاهان و مسولین سیاسی، نظامی و حکومتی توسط پاپ ها تعیین شده و بالطبع شرع و نظام فلسفی کلیسا مبنای اصلی توجیه و دفاع از حاکمیت فساد و جنایت شد به بیان دیگر پاپ نه تنها در مقابل هیچ فرد یا سازمانی پاسخگو نبود بلکه صاحب حق مسلم بود که بدون هیچ دلیل هر فرد یا دسته ای را مضر و دشمن تشخیص میداد تکفیر کرده و دستور حصر، زندان، شکنجه و اعدام میداد. هیچکس را امپراطور نمیشناختند مگر آنکه پاپ آنرا تایید میکرد. سوء استفاده پاپها از قدرت دینی و پشتیبانی مردم نادان به نحوی بود که پادشاهان را خلع میکردند. برای نمونه، پس از تکفیر، لعن و خلع امپراطور هنری از سلطنت توسط پاپ گرگوریوس، شاه با فشار مردم مجبور شد با پای برهنه و لباس پشمین سه روز در درگاه پاپ تقاضای بخشش و توبه کند تا مورد شفاعت نماینده خدا قرار گیرد. کلیسا (حکومت) و روحانیون مذهبی کوچکترین نظر مخالف را تحمل نکرده و با انتصاب مخالفین به نیروهای شیطانی، همه منتقدین را بعنوان دشمنان خدا، کتاب مقدس و مسیح، زندانی، شکنجه و به بدترین شکل ممکن میکشستند. هزاران نفر در دادگاه های تفتیش عقاید (Inquisition) با بدترین شکنجه ها بقتل رسیدند که گناه آنها عبور از اصول عقاید و خط قرمز ولایت پاپ و کلیسا عنوان شد.

با افزایش فساد و جنایات کلیسا و روحانیون مذهبی، گروهی از کشیشان به مخالفت پرداخته و به حق تشخیص فردی یعنی بنیان آزادی مذهبی تاکید کرده و خواستار اصلاح امور، و نه پایان حکومت مذهبی، شدند. (فرقه پروتستان). ولی حقیقت اینست که اصلاح طلبان پروتستان همکار محافظه کاران و اصولگرایان کاتولیک و متحد در عقل ستیزی و تکفیر عوام بوده و عمل هر دو به یک نتیجه منتهی میشد یعنی خرافات، فساد و جنایت (دستور قتل عام آباباتیستها توسط لوئر رهبر پروتستانها بدلیل سرپیچی از کلیسا). به بیان بهتر، پروتستانهای اصلاح طلب در حقیقت شاحه ای از همان حکومت روحانیون بودند که خود را محق رهبری حکومت دینی میدانستند و برای تثبیت موقعیت و اصلاح امور خود و بدست آوردن منافع بیشتر با رهبران کلیسا مخالفت کرده، و با فریب مردمی که شدیداً از فساد و جنایات حکومت مذهبی متفر شده بودند، باعث دوام حکومت کلیسا شده و بتدریج بر فساد و جنایات افزودند. مگر نه، پروتستانها در لزوم حکومت مذهبی و وجوب اطاعت بی چون و چرای عوام از فقیهان مسیحی با کاتولیکها همعقیده بودند (جنگ قدرت بین فقیهان شیعه در ایران برای کسب مقام عظمای ولایت و قدرت و ثروت انحصاری).

از ویژگیهای شاخص این دوران که با حاکمیت فقیهان و روحانیون مسیحی همراه بود میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. اجبار مردم به قبول مسیحیت و ولایت پاپ بعنوان تنها نماینده خدا در زمین، که دقیقاً برخلاف نظر خدا و مسیح میباشد. چنانچه پیلطس میگوید مسیح در باره حکومت و اداره امور جامعه بر اساس وحی و قانون شریعت ادعایی نداشته است و از قول مسیح در یوحنا باب ۱۹ آیه ۳۶ گفته شده "پادشاهی من از این جهان نیست" (امروز: الزام عملی به ولایت فقیه)
۲. اختناق شدید در جامعه و کنترل کامل مردم با ایجاد جو امنیتی توسط روحانیون مذهبی (امروز: تهدید، ربودن، زندانی، شکنجه و قتل مردم بیگناه)
۳. غارت گسترده سرمایه های مردم، و تلقین روحانیون مذهبی به عوام برای وقف و واگذاری همه چیز به کلیسا جهت بدست آوردن فیض الهی و رحمت عیسی مسیح. همزمان، گسترش فقر و بدبختی در جامعه و اجبار مردم گرسنه برفتن به کلیسا برای گرفتن تکه نانی و یا خوردن غذای رایگان (امروز: فقر گسترده و روز افزون در کشور با هدف کنترل جامعه، وابسته کردن

مردم به مساجد و اجبار به حضور در راهپیماییها، حسینیه ها و مساجد برای دریافت غذای رایگان بدنبال سخنرانی، مداحی ، عزاداری)

۴. نظارت شدید بر مدارس و مراکز آموزشی، و آموزش اجباری تعالیم کلیسا به دانش آموزان، الزام آموزش اوراد کشیشی قبل از شروع آموزش محدود مطالب علمی. همزمان، مردم حق مطالعه کتابهای فاقد مهر تایید کلیسا را نداشتند (امروز: اجبار آموزش وصیت نامه بنیانگذار انقلاب، معارف، تاریخ اسلام، حق ادامه تحصیل در دکتری و فوق فقط برای چاکران ولایت بدون امتحان و علی رغم نداشتن علم لازم)

۵. اعطای مقام مقدس (معصوم, Saint) به سر اسقف ها و اسقف ها و ساخت مقبره های مقدس بعد از مرگ در مناطق مختلف بعنوان زیارتگاه، بقعه، اماکن متبرکه و مقدس، همراه با ترویج خرافات و ترغیب مردم برای زیارت و استمداد کمک و شفا با ساختن روایات و داستانهای دروغین. برای نمونه سفر روزانه دهها هزار نفر از راههای صعب العبور به مقبره مقدس توماس بکت Thomas Becket سراسقف کلیسای کانتربری Canterbury Cathedral در جنوب انگلستان که در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۱۷۳ آمرزیده و بعنوان معصوم معرفی شد. (امروز: تولید و ساخت بیش از ۱۶ هزار امامزاده، و بیش از ۱۰۰ هزار بقعه مقدس در ایران، ساختن روایات از طرف معصومین)

۶. کنترل و سانسور نشریات و کتب، بجز کتابهای مروج عقاید پاپ و کلیسا، با چاپ سایر کتابها بجرم ترویج افکار گمراه کننده شدیداً برخورد و با پرونده سازی، نویسندگان زندان، شکنجه و اعدام میشدند. الزام اخذ مجوز چاپ برای کتاب از کلیسا و انتشار فهرست بسیار طولنی از کتابها و نویسندگان تحریم شده از طرف کلیسا حتی برای کتابهای مقدس تصحیح شده توسط اطلاع طلبان پروتستان. (امروز: پلمپ روزنامه ها، بستن سایتهای خبری، مراکز سانسور، انطباق فیلمها، نشریات و کتب بر اساس نظر فقها و حکومت در وزارت ارشاد، اطلاعات، سپاه)

۷. توسعه ساخت کلیسا و مراکز دینی تبلیغ مسیحیت در اروپا و قاره های دیگر (امروز: وجود حدود ۱۰۰ مرکز رسمی تبلیغات و ارشاد اسلامی با بودجه رسمی دولتی، توسعه ساخت مسجد و حسینیه، بعنوان مثال در مدت ۷ سال گذشته، ساخت حداقل ۶۰ مسجد فقط در آمریکا، در هر مسجد چند طلبه و مداح با حقوق ماهانه ۱۰ تا ۲۵ هزار دلار، تاسیس مسجد بهترین تجارت برای شیادان ورشکسته بازار با سود و درآمد کلان و بدون زحمت خصوصاً در خارج از کشور و دریافت و مصرف نذورات و صدقات کلان عوام باستناد تکه کاغذی بعنوان مجوز حیف و میل بیت المال از طرف فقیهان).

۸. تفتیش عقاید و محاکمه، شکنجه و قتل صدها هزار نفر در دادگاههای مذهبی (امروز: دادگاه های انقلاب- دادگاه ویژه روحانیت، قتل عام بیش از ۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۷ در زندانهای ایران حتی بعد از توبه)

۹. تهدید، دستگیری، شکنجه و از بین بردن دانشمندان و مدافعان حقوق مردم برای نمونه تبعید کوپر نیک، اجبار گالیله به توبه و سکوت و حصر خانگی، زنده سوزاندن برونو، کیهان شناس، و میشل سروه، فیلسوف و زیست شناس با صلیب (امروز: اخراج، زندان، شکنجه و اعدام هزاران نفر از فرهیختگان واقعی و اساتید دانشگاهها از جمله دکتر امید کوبکی، بانو نرگس محمدی، نسرين ستوده)

۱۰. ممانعت از اتحاد مردم با گسترش اختلافات قومی و اعتقادی (امروز: گسترش نفرت و اختلافات ملی مذهبی)

۱۱. ایجاد نفرت عمومی به غیر مسیحیان و روشن کردن آتش جنگهای مذهبی (جنگهای صلیبی)، بعنوان نمونه فتوای پاپ اورین برای مسیحیان مبنی بر مقدس و واجب بودن جنگ و قتل عام غیر مسیحیان خصوصاً مسلمانان و یهودیان (و بعضاً مسیحیان اصلاح طلب پروتستان) بعنوان تنها راه آمرزش گناهان و ورود مستقیم کشته شدگان (شهدا) به بهشت (امروز: جنگ در سوریه، یمن، عراق و قتل عام هزاران بیگناه، فریب عوام برای جنگیدن برای ضریح و رفتن به بهشت)

۱۲. ثروت اندوزی پاپ ها، اسقفها، روحانیون مذهبی، فرماندهان نظامی و افراد منسوب به آنها. ثروت کلان کلیسا و روحانیون مذهبی بحدی بود که هیچ امپراطوری توان رقابت و همترازی با آن را نداشت، و شامل بخششها، وقفها و نذورات عوام به کلیسا و اماکن مقدس برای طلب آمرزش و کسب رضای خدا و مسیح و درآمدهای کلان کشیشان از انجام فرائض و مراسمهای مذهبی و تجارت و معامله های آنها میشد، و اضافه بر آن مالکیت کارخانه ها، املاک، مزارع ، ... (امروز: ۳۷ سال دزدی، اختلاس و فساد)

۱۳. ربودن، دستگیری، شکنجه و اعدام معترضین، دگراندیشان و گاه پروتستانهای اصلاح طلب به جرم مخالفت با پاپ بعنوان نماینده خدا و مسیح (شهیدان پوینده، مختاری، فروهرها، آقاسلطان، زهرا کاظمی ...)

۱۴. ربودن، دستگیری و شکنجه و اعدام مردم از جمله کارگران و دهقانانی که به شرایط سخت زندگی و بیعدالتی معترض بودند به جرم مخالفت با خدا، ولایت پاپ و کلیسا (شهیدان ستار بهشتی، روح الامینی، موسوی، زینالی، اختر زند، شبنم سهرابی، صبوری، نورمحمدی، میرزاخان، سلحشور، کریم بیگی، فرشته علیزاده، فاطمه مصباح ۱۳ ساله ... و بیش از ۲۰۰ نفر از مردم بیگناه که بشکل مسالمت آمیز به تقلب در انتخابات اعتراض و توسط نیروهای ضد شورش متشکل از سپاه، وزارت اطلاعات، حزب الله جنوب لبنان - و جدیداً حوثیها و افرادی از کشمیر، پاکستان، بنگلادش و افغانستان - به فجیع ترین وجه در زندانها مورد تجاوز و شکنجه قرار گرفته، از پلها و بلندیها پرتاب شده، و بیش از ۴۰ نفر در پشت بام منازل خود توسط تک تیراندازان بقتل رسیدند، متأسفانه بسیار معدود والدین برخی از شهدا فرب خورده مقام و ثروت سپاه یزیدند).

۱۵. انتصاب کشیشان و سایر افراد بیسواد در پستهای حکومتی. با آنکه تصور میشد تنها طبقه باصلاح باسواد در سراسر اروپا کشیشان باشند ولی اکثر آنها حتی قادر به خواندن و نوشتن هم نبودند - تاریخ جهان نو، روزول یالمر. (امروز: بسیاری از وزراء، معاونین، مدیرکها و مسولین فاقد مدرک معتبر دانشگاهی و حتی دبیرستانی بوده و یا دارای مدارک جعلی هستند که در صورت افشاء شدن سریعاً بقتل میرسند، قتل گردان وزیر کشور)

۱۶. ایجاد گروهها و دادگاههای تفتیش عقاید (امروز: بسیج، گروههای امر بمعروف و نهی از منکر، دلواپسان، فدائیان و حامیان ولایت با حقوقها و درآمدهای نجومی از بیت المال. قتل مظلومانه پزشک فرهیخته دکتر زهرا بنی یعقوب در زندان همدان توسط یک بنای بسیجی بعنوان مسول گروه امر بمعروف)

۱۷. ساختن روایات و احادیث بیشمار از طرف مسیح و حواریون برای تقدس سازی و پیشبرد اهداف خود با فریب عوام (امروز: اعلام ملاقات هفته ای برخی با امام زمان، باعلی گفتن هنگام تولد!، ... - لازم است عنوان شود که **توقیع امام زمان** به علی ابن محمد سمري آخرین نایب در غیبت صغری چنین است: "چه بسا افرادی از شیعیان ادعا کنند که مرا مشاهده نموده اند، آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی چنین ادعایی کند دروغگو، شیاد و افترا زننده است". الغیبه شیخ طوسی ص ۳۹۵، احتجاج شیخ طوسی ج ۲ ص ۲۹۷)

۱۸. گسترش خرافات مذهبی در عوام: خودزنی دسته ای مسیحی با شلاق بخاطر کسب رضای خدا و مسیح و فرونشاندن خشم خدا. به فتوای پاپ و دستور روحانیون مذهبی، مسیحیان خود را چنان با شلاق میزدند تا خون از پشتشان جاری میشد تا بدینوسیله گناهانشان پاک و خشم و عذاب خدا خوابانده شود - دستجات آخته مسیح GeiBlerzuge - (دستجات عزاداری و قمه زدن و ...)

۱۹. مهار و کنترل عوام و مخالفین بهر نحو ممکن حتی با غیر انسانی ترین روشها به فتوای پاپ: اخته کردن عوام بدستور فقیهان برای مهار شرارتهای شیطانی و بانزوا کشاندن مخالفین ولایت پاپ. همچنین اخته کردن کودکان و پسران خوش صدای عضو گروه کر کلیساها برای حفظ دائمی کیفیت صدا. (گسترش اعتیاد و بیماریهای جنسی در کشور برای کنترل عوام، ریختن آبرو و از بین بردن حرمت مخالفین در جامعه با تهمت‌های اخلاقی)

با شروع بیداری مردم و افشای فساد، دزدی، نفاق، شیادی و جنایات حکومت، پاپ و روحانیون مذهبی و کلیسا وجهه خود را از دست دادند و زمینه برای پیدایش نهضت‌های فکری و علمی تحت عنوان رنسانس (دوران نوزایی Renaissance) فراهم شد که درحقیقت پاسخی به جنایات و خرافه های کلیسا و تلاش روحانیون مذهبی در کسب قدرت مطلق بود (ولایت مطلقه فقیه!). اولین قیام مردم، کشاورزان، دهقانان بعد از حدود یک قرن از شروع حکومت کلیسا انجام شد و بدنبال آن قیامهای متعددی بشکل **محدود** در مناطقی از اروپا در اعتراض به شرایط سخت زندگی، دستمزدهای پایین، فقر و بیعدالتی در جامعه بوقوع پیوست ولی متأسفانه بعلت **عدم اتحاد مردم و عدم حمایت همه اقشار جامعه و فریبکاری اطلاع طلبان پروتستان** با قتل عام وسیع مخالفین به فتوای پاپ و روحانیون مذهبی سرکوب شدند.

استعداد روحانیون مذهبی در ایجاد اختلافات قومی، فرهنگی و مذهبی و انجام جنایت، زجر دادن و اختراع وسایل عجیب برای کشتن انسانها بسیار حیرت اور بود. **از جمله شکنجه های قرون وسطایی میتوان ب موارد ذیل اشاره کرد:** جراحت زندانیان و ریختن سرکه و نمک بر زخمها، زنده جوشاندن در دیگ، ریختن سرب داغ در حلق، فرو کردن سیخ در بدن، بستن به توپ جنگی، زنده سلاخی کردن و کندن پوست، درآوردن چشم، زنده پختن در داخل گاوهای برنجی، تجاوز با هرمهای فلزی، ...

در یک نمونه از جنایات کلیسا در عهد سن لویی، ۱۸۳ نفر مرند را پس از تحمل سالها زندان و امید به آزادی بعد از توبه، با فتوای پاپ و اسقفهای فاسد زنده در آتش سوزاندند. (مشابه قتل عام بیش از ۳۰ هزار نفر زندانی در سال ۶۷ در زندانهای ایران). براساس کتاب علم و دین، در این دوران سیاه بیش از ۵ میلیون نفر فقط به جرم فکر کردن و سرپیچی از فرمان و ولایت پاپ بدار آویخته شده و بسیاری در سیاهچالهای تاریک و مرطوب سالها زندانی و مدفون شدند. فقط در طول ۱۸ سال از سال ۱۴۸۱ تا ۱۴۹۹ میلادی بدستور دادگاههای قرون وسطی ۱۰۲۲۰ نفر زنده سوزانده، ۶۸۶۰ نفر زنده سلاخی و شقه شدند و بیش از یک میلیون نفر زیر شکنجه بقتل رسیدند.

پیامدهای حکومت کلیسا

درولقع عملکرد روحانیون و نیروهای مذهبی در جامعه باعث بیماری، فقر شدید مردم، قحطی در اروپا، نفرت مردم از دستورات دینی و قرار گرفتن آنها در مقابل خداوند و ایجاد گروههای شیطان پرستی شد. مردم ضدیت خود با کلیسا و روحانیون فاسد را بشکل دشنام به خدا و مسیح، آشامیدن خون و وارونه آویزان کردن صلیب نشان میدادند. به بیان دیگر، انحطاط ارزشهای اخلاقی، گسترش فساد و جنایت.

قسمت دوم

مرور مختصر بر آنچه که ادعا شد ولی هیچگاه عمل نشد، یعنی اجرای دستورات خدا:
نکته مهم در کتب آسمانی عمومیت اجرای دستورات خداست بدین معنا که هیچ استثنایی در اجرا و یا عدم اجرای آن ذکر نشده است و همه، از فرستادگان خدا تا توده های عادی مردم، ملزم به اجرای آن میباشند، چرا که فرستادگان خدا همان مردم عادی هستند که فقط وظیفه ابلاغ فرامین خدا را دارند. و مهمتر آنکه مجازات و عذاب آخرت در موارد عدم اجرای دستورات برای پیامبران و رهبران دینی شدیدتر از مردم عوام و نیز برای کسانی که ایمان آورده اند شدیدتر از غیر مسلمانان ذکر شده است.

از جمله مهمترین منکراتی که خداوند بارها همه را از انجام آنها نهی کرده است شامل: نفاق، دروغ، ربا، تهمت، غیبت، قتل و جنایت، حيله و شیادی، ریختن آبروی دیگران، دزدی و خوردن مال حرام و در مورد مال یتیم تاکید بر حتی نزدیک نشدن به آن نساء ۱۰، کمک و حمایت از ستمگران و تکیه بر ظالم، سکوت در برابر ظلم و یاری نکردن ستمدیدگان، انیت و شکنجه، حکم و قضاوت ناحق، گواهی و شهادت دروغ آل عمران ۷۷ و بقره ۲۸۳، سحر و جادو و خرافات بقره ۱۰۲، یعنی اعمالی که ۲۷ سال توسط حکومت مذهبی در ایران انجام میشود.
و از جمله مواردی که **توصیه بانجام شده است:** ایستادگی در برابر ظلم شعرا ۲۲۷، عدم ترس از ظالم طه ۱۱۲، توصیه بحق و عدالت، عصر ۲، توصیه به تفکر، نیکی و احسان و کمک به همدیگر بدون توجه به اختلافات مذهبی، نژادی و فرهنگی، رفتار صالح، صداقت، تقوی.

۱. اهمیت حفظ کرامت انسانها و ثبات و امنیت حریم مقدس خانواده بحدیست که خداوند متعال بارها در نهی شدید تحقیق، تفحص و جستجو در زندگی شخصی افراد، پرهیز از تفتیش عقاید و تاکید بر حفاظت از آبروی مردم و حفظ اسرار شخصی افراد امر نموده و به انسانها توصیه مفرماید "و لاتجسسوا"، در امور یکدیگر جستجو و دخالت نکنید و از غیبت بپرهیزید (حجرات ۱۲). تنها استثنایی که میتوان بان اشاره کرد، نه در قران بلکه در نهج البلاغه، دستور قاطع مولای متقیان علی علیه السلام به مالک اشتر میباشد (تهج البلاغه نامه ۵۳) آنهم نه برای مردم عادی بجرم مخالفت با ظلم و فساد و جنایات حاکمان. دستور حضرت علی به مالک مبنی بر افشای فساد، معرفی کامل و ریختن آبروی صاحب منصبان و حاکمان فاسدبست که آلوده تخلص، فساد، دزدی و جنایت شده اند. و باز در همین نامه مولا علی به مالک میفرماید: "کم ارج ترین مردم نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به کشف و پخش عیوب و اسرار مردم حریصتر و بی باک ترند برای اینکه نوعا مردم دارای عیوبی هستند که حاکمان برای پنهان داشتن آن از همه سزاوارترند. پس هرگز در جهت کشف آن لغزشهایی که پنهان از تو و حکومت صورت گرفته برنیا، چون تو بعنوان حاکم مردم فقط مسول پاکسازی جامعه از آلودگیهای آشکار و ظاهری هستی. در باره لغزشهای پنهان مردم خداوند خود دآوری خواهد کرد."

اولین مورد نقض دستور خدا، ایجاد "دفا تر گزینش" در تمام مراکز دولتی و آموزشی ست. افرادی که با جستجو در زندگی شخصی مردم فقط سعی در اغفال و سوء استفاده های جنسی از مستخدمین و استخدام گزینشی خواص و نزدیکان خود دارند، چرا که حکم گزینش در استخدام یا اخراج، برابر حکم خداست.

مورد دوم، ریختن آبروی مردم و فعالان سیاسی و عقیدتی با تهمت های دروغ بجرم مخالفت با خرافات و فساد حکومت ولایت فقیه توسط فتوای برخی فقیهان و باصطلاح مراجع تقلید است. واضح است که همانند اسقف های قرون وسطی، فتوی بهترین و قابل توجیحترین راه برای حفظ قدرت، ثروت و ادامه فساد و جنایت است. متأسفانه دستگیری جوانان در مهمانیها (که عموماً توسط خود نیروهای امنیتی برنامه ریزی میشود) و تهدید به تخریب شخصیت و آبرو و اجبار آنها برای همکاری، شرکت در راهپیماییها، رای گیریها و شهادت دروغ در دادگاهها، یکی از کثیفترین و مهمترین شگردهای سپاه و وزارت اطلاعات در سوء استفاده و کنترل مردم است. اشاعه تهمت های ناموسی به مخالفین کثیفترین توجیه برای اعدام بدنبال از بین بردن حرمت اجتماعی آنها و مهار افکار عمومی است (تهمت و اتهام فساد اخلاقی به مرحوم محسن امیر اصلانی و اعلام شهادت دو زن بسیجی که هیچگاه در دادگاه دیده نشدند).

۲. بر اساس فرمایش قرآن **تقوی** تنها عامل برتری و تمایز انسانها میباشد و ملاک آن بطور خلاصه، **اخلاق، پندار و کردار نیک و انطباق آنها برهمست یعنی عدم نفاق**. در هیچ کجای قرآن آیه ای در شرح مشخصات ظاهری مسلمانان و مومنان نیامده است و بنا بر تفسیر مفسرین در جایی که صحبت از ظاهر میکند (برای مثال اثر سجده بر پیشانی) دلالت بر آشکار بودن سجده کنندگان (متقین و صالحین) در آخرت است نه در دنیا، که اگر غیر این باشد همان بازار مکاره ایران است که ۳۷ سال شاهد شهادت منافق فاسدی هستیم که اسلام و تقوی و ایمانشان فقط مهر داغ بر پیشانی، محاسن صورت، بستن یقه تا حد خفگی و پوشیدن لباسهای باصطلاح ساده بسیجی ست. در نقض فرمایش خدا در این مقوله (عدم برتری انسانها بجز تقوی) میتوان به تقسیم جامعه توسط باصطلاح رهبران مذهبی، به خواص و عوام بر اساس میزان اعتقاد به رهبر و نسبت فامیلی اشاره کرد که شدیداً در قرآن نهی و منع شده و بعنوان تلاش شیطان برای ایجاد تفرقه و جنگ و خونریزی نامبرده شده است.

۳. در منع حرامخواری و دزدی نیز آیات بسیاری نازل شده است خصوصاً منع استفاده شخصی و حیف و میل بیت المال برای زمامداران و رهبران مذهبی. بر اساس فرمایش قرآن، حکمرانان و رهبران مذهبی حق دخل و تصرف در سرمایه ها و مبالغ دریافتی از مردم (بعنوان نمونه بیت المال، زکات، صدقات) را ندارند و مبالغ جمع آوری شده باید سریعاً و بدون تعلل به فقرا، نیازمندان و مستمندان پرداخت شود. چه زیباست واکنش مولا علی (ع) در مقام خلیفه مسلمین هنگامی که برادرش عقیل درخواست دریافت مبلغ ناچیزی بیش از حق خود از بیت المال داشت. مولا با نزدیک کردن آتش گذاخته به صورت برادر عنوان کرد: 'من تحمل این آتش را در روز قیامت ندارم' چرا که امانت داری و حفظ بیت المال از مسوولیت های بسیار مهم حاکمان است. شرح مختصری از زندگی بحرانی عقیل (برادر و باصطلاح از خواص خلیفه، بیمار و علیل، ناتوانی در انجام کار، عیالوار، قرضدار) خط بطلانیست بر دهها توجیه بظاهر منطقی که توسط بسیاری از متشرعین و رهبران باصطلاح مذهبی برای دزدی، ثروت اندوزی و حیف و میل بیت المال بکار میرود. مرجع عالیقدر شیعیان مرحوم حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی را میتوان بعنوان نمونه شاخص مرجعیت و مروج واقعی دستورات خدا نام برد. کسی که حتی رفتن به سفر حج واجب با پول بیت المال را بر خود حرام کرد. و در این باب از حضرت مسیح نقل است که مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا (لوقا باب ۲۰ آیه ۲۵).

ولی امروزه متأسفانه حوزه های علمی با خیل عظیم باصطلاح فقیهان، مراجع و مدرسین فاسدی روبروست که تنها چیزی که برایشان اهمیت ندارد حقوق مردم و بیت المال است. مراجعی که بیت المال وسیله ایست برای خوشگذرانی، تجارت و سرمایه گذاری و ایستگانشان در باصطلاح دیار کفر، حتی در قمارخانه ها، البته همه برای خدا و امام زمان. زمامداری که بیش از ۲۵ میلیون پوند از بیت المال را در بیمارستانهای انگلیس، خرج ساختن نطفه برای زوجی میکنند که هیچکدام توان باروری نداشته اند. سوال از مراجع باصطلاح شیعه اینست که در مملکتی که اکثریت قریب باتفاق جوانان آن مجرد بوده و بعلت نداشتن منبع درآمد هنوز وابسته به حقوق ناچیز بازنشستگی والدین خود میباشند، و بسیاری مبتلا به بیماریهای روحی روانی و اعتیاد شده و میزان فساد، بیماری، خودکشی و طلاق بعلت مشکلات ناشی از بیکاری و اعتیاد روزبروز در حال افزایش است، با استناد به کدام دستور خدا و قرآن با پول بیت المال تجدید فراش کرده و مجوز تصرف و حیف و میل بیت المال به نزدیکانتان داده آید؟

متاسفانه حوزه های علمیه محل تربیت منافقینی است که برای انجام نماز واجب خودشان هم پول دریافت میکنند. با قاطعیت میتوان گفت که اگر بزرگانی چون علامه قاضی، علامه طباطبایی و آیت الله العظمی مرعشی، آیت الله العظمی بروجردی در قید حیات بودند دریافت حقوق برای چند دقیقه نماز واجب در مراکز دولتی و آموزشی را حرام میدانستند. حقوق و مزایایی که از درآمد کارگر و کارمند تمام وقت همان مرکز بسیار بیشتر است بعلاوه داشتن راننده شخصی از طرف مراکز که همه از کمبود بودجه، فرسوده بودن و نداشتن امکانات شاکی هستند. متاسفانه طلبه امروز بجای الگو قرار دادن زهد و ساده زیستی پیامبر، مولا علی و بزرگان واقعی دین و اجرای دستورات خدا در قرآن از جمله سفارش اکید خدا به پیامبر (بعنوان الگویی برای سایر مبلغین دینی) مبنی بر **عدم دریافت مزد حتی جهت تبلیغ دین**، عملاً دنباله رو فقیهان و مراجعی شده اند که بفرمایش قرآن، شیطان اعمالشان را بزبیبایی زینت داده است (و زین لهم الشیطان اعمالهم نمل ۲۴، انفال ۲۸). چه بسیار آیه هایست که خداوند پیامبرانش را (بعنوان الگویی مبلغین دین) از گرفتن هر گونه مزدی بر حذر داشته است (فرقان ۵۷، ص ۸۶، هود ۵۱، یوسف ۱۰۴، شعرا ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰، صبا ۴۷، یس ۲۱، شوری ۲۳) و **پیامبر نه دستمزد و انعامی برای خویش خواست و نه برای زندگی شخصی خود امتیازی تقاضا نمود و نه طلب جایگاه اجتماعی کرد.**

حوزه علمیه ای که مدیران و مدرسین آن درحرام و ثروت اندوزی، همسایه شدن با باصطلاح شیطان بزرگ و کفار در امریکا و اروپا سبقت گرفته، ساکنان لوکس ترین ویلاها در بهترین نقاط کشور میباشند، حوزه علمیه ای که عملکرد فارغ التحصیلان آن چیزی نیست بجز اختلاس، دزدی، جنایت، دروغ و نفاق. چنین مراکزی محل ترویج دستورات شیطان و مخزن زباله و فاضلاب است.

۴. موارد مصرف زکات و صدقات بسیار واضح در قرآن توضیح داده شده است از جمله مستمندان، فقرا، مساکین، یتیمان، در راه ماندگان و نه خواص و سران حکومتی و جنگ و خونریزی. ولی متاسفانه خواص حکومت تنها افرادی بودند که مشمول رفت باصطلاح نماینده خدا قرار گرفتند با وامهای قرض الحسنه میلیاردی حتی از صدقات کمیته امداد، مرکزی که پس از ماهها تحقیق محلی و فامیلی و پس از تخریب آبروی نیازمندان واقعی و گاهی سوء استفاده های شرم آور، در صورت موافقت، ماهیانه مبلغ بسیار ناچیزی به خانواده فقیر و یتیم کمک میکند، (شاید بتوان دکتر م. دوست و همکار قدیمی و بسیار صمیمی دکتر ولایتی در بیمارستان مسیح دانشوری را جزء اولین نفرات دریافت کننده وامهای میلیاردی بلاعوض از صدقات مردم در اوایل دهه ۸۰ بحساب آورد، یعنی زمانی که پرداختی کمیته امداد ماهیانه ۳ تا ۵ هزار تومان بود).

۵. نکته بسیار مهم و حیاتی که حتی با مطالعه بسیار سطحی قرآن میتوان متوجه شد ولی متاسفانه اکثریت مردم بآن بی توجهند **تاکید قاطع خالق هستی به عقل محوری و خردورزی و آزاد اندیشی** ست بطوری که بسیاری از آیات قرآن دستور به تفکر و تعقل در تمام زمینه های زندگی و **عدم تقلید** کورکورانه خرافات داده است. چه بسیاری آیاتی که انسانها را بعلت عدم استفاده از فکر و عقل نکوهش کرده و آنرا باعث بدبختی آنها دانسته است، خطاب هایی به انسانها و بالاخص مومنان و مسلمانها، همچون **افلا تعقلون / یعقلون؟ آیا عقل ندارید؟ افلا یشعرون؟ آیا شعور ندارید؟ افلا تتفكرون؟ آیا فکر نمیکنید؟ افلا یفهمون؟ آیا نمیفهمید؟** که در تمام صفحات کتاب خدا بچشم میخورد، همه نشان از ناخرسند بودن خداوند از انسانها بعلت عدم استفاده از نعمت عقل است. و گاه توصیه بر تدبیر میکند، بمعنای تفکر عمیق و بررسی نتایج و عواقب عمل بهمراه بررسی علل. به بیان دیگر خداوند نه تنها هیچ استثنا و محدودیتی برای تفکر و آزاد اندیشی اعمال نکرده بلکه حتی اهمیت استفاده از عقل و تفکر حدیست که خداوند در آیه ای میفرماید بدترین مخلوقات نزد او افرادی هستند که چشم و گوش خود را بسته و تفکر نمیکنند (ان شر الدواب عند الله صم بکم الذین لا یعقلون- انفال ۲۲).

۶. خداوند متعال حتی حق انتخاب دین را برای همه آزاد گذاشته و بدون استثنا قاطعانه میفرماید لا اکراه فی الدین (بقره ۲۲۶) یعنی مردم در قبول دین مختارند، یعنی ممنوعیت مطلق تقطیش عقاید، یعنی عدم بازرسی و تفحص در باورها و عقاید مردم. بطوری که در آیه های متعددی به پیامبر یادآوری میکند که وظیفه تو فقط و فقط ابلاغ دستورات به مردم است. اهمیت عدم تقطیش عقاید به حدیست که پیامبر میفرماید، آنچه سلمان میدانست اگر ابوزر میدانست کافر میشد (بحار الانوار جلد ۸). که اگر غیر از این بود دنیا محل جنگ و قتل عام مردم بیگناه توسط شیادان و جنایتکاران مدعی نمایندگی خدا بود، چیزی که در ایران و بعضی کشورهای مسلمان (داعش، طالبان، اخوان المسلمین، ...) شاهد آنیم، یعنی تجربه تلخ قرون وسطی.

۷. از موارد قابل توجه دستورات خداوند، محبت و کمک به دیگران، قضاوت به حق و اجرای عدالت بدون توجه به مذهب و عقاید شخصی است بطوری که وقایع بسیاری ذکر شده که مولای متقیان علی علیه السلام از حقوق غیر مسلمانان، یهودیان و مسیحیان در مقابل مسلمانان با قاطعیت دفاع کرده است.

باستناد دستور خالق هستی، عدالت لازمه حکومت است، به بیان دیگر این نیست که سرمایه های مملکت فقط برای گروه معدودی شیاد بنام خواص باشد، ایران محل زنگی همه ایرانیان است، همه اقوام ایرانی، گُرد، تُرک، عرب، بلوچ، ترکمن، لر، ... و با هر دین و مسلک، مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و سنی، بهایی، دراویش، زرتشتی و ... حتی کسانی که ظاهراً دین ندارد.

قسمت سوم

ولایت فقیهان شیعه صفوی در قرن ۲۱ - تکرار نکبت بار و شوم خرافات و جنایات قرون وسطی

شیادانی که خود را نمایندگان خدا در زمین پنداشتند، هدف از حکومت را اجرای فرامین خدا و قرآن بنام حکومت عدل علی (ع) و اسلام ناب محمدی معرفی کرده و مردم سایر کشورها اعم از مسلمانان و غیر مسلمان را گمراهان دنباله رو شیطان و کافر! سوء استفاده از کج فهمی و احساسات مذهبی مردم و درک غیر صحیح دستورات خالق با القای احادیث و روایات ساختگی از پیامبران و امامان تنها برگ برنده آنها ست.

چگونه میتوان به روایات و نقل قولهای بیش از ۱۴۰۰ سال قبل اطمینان کرد، زمانی که نه وسیله نوشتن بوده و نه دسترسی سریع و آسان به وسایل نوشتاری. به بیان دیگر، هر فرد از توسط انگشت شمار افراد باسواد، بعد از مدتها، هر آنچه بیاد میآورد و براساس تراوشات ذهنی خود و منافع گروه و دسته خود بر روی پوست حیوانات مینوشت. چنین است که اختلافات بسیاری در روایات سنی و شیعه حتی در فرقه های انشعابی آنها بچشم میخورد. ملموسترین نمونه اختلاف حتی در ساده ترین روایات یعنی روش خواندن نماز توسط پیامبر دیده میشود، روشی که همه مردم با چشم دیده و نقل قول کرده اند. به بیان ساده، روایات و احادیث قابل اعتماد نبوده و استناد بانها بالاخص در قوانین و اداره کشور، فقط شیادی و اغفال عوام برای دستیابی به اهداف نفسانی یک گروه خاص است. چه بسا امروزه، یعنی در عصر ارتباطات و تکنولوژی، علی رغم انتقال لحظه ای اخبار و وقایع شاهد تفارتهای فاحش در نقل قول اخبار و تفاسیر متفاوت آن در شبکه های مختلف خبری هستیم.

شروع حکومت حوزویان و مداحان قرون وسطی،

و در بهمن ۵۷ حکومت اسلامی آغاز شد، اولین قدم با شیادی، "رویت بنیانگذار حکومت در ماه!" و نگاه عوام با اشک و صلوات به آسمان. هرآنچه خدا مبنی بر کاشت بذر صلح و دوستی، علم و دانایی، محبت و کمک به مستمندان دستور داده بود فراموش شد، و همانند حکومت ولایتی پاپ در قرون وسطی، شروع و رواج دزدی و اختلاس، شیادی، ریا و دروغ و فساد، قتل و جنایت البته وقیحانه تر. متأسفانه شروع جنگ تحمیلی، و عزیمت جوانان پاک به جبهه ها و روحیات شهادت طلبی در مردم، باعث پنهان ماندن چهره واقعی این نظام فاسد شد. با پایان جنگ ۲ خطر بالقوه برای حکومت وجود داشت. عکس العمل شدید فرماندهان و رزمندگان و آزادگان دلاور در مشاهده فساد حکومت، و دوم، پایان تشیع جنازه شهدا، بالطبع خطر دور شدن مردم از مساجد و حسینیه ها و کساد شدن بازار نفاق و دین فروشی و خیمه شب بازی شیادان. و چه زیباست پیش بینی شهید باکری علیه الرحمه در وصیت نامه، جایی که رزمندگان بعد از جنگ را به ۳ دسته تقسیم میکند، گروهی بخیال خود عقب افتاده از زندگی، به دنیاطلبی و دزدی و فساد، برخی در برزخ و گروه اندکی با اعتراض به نظام فاسد، فقط میسوزند و در آرزوی شهادت. ولی شهید باکری نمیدانست گروه سوم که مهمترین خطر برای رسوایی شیادان دین فروش بودند، بتدریج توسط جنایتکاران در مانورهای نظامی، نقص فنی بالگرد و تصادفات و حوادث ساختگی حذف خواهند شد (سردار کاظمینی، حجت الاسلام ابوترابی، ...)

و تکرار ولایت پاپ قرون وسطی:

۱. **جنایت:** ابتدا مخالفین اسلام و بمرور معترضین به ولایت فقیه بعنوان دشمنان خدا و پیامبر معرفی شده و محروم از حق حیات و حق زندگی و حق تحصیل، و مستحق تجاوز، شکنجه و مرگ، ریختن خونشان واجب و مجوز ورود به بهشت. ظلم و جنایت با قتل غیر مسلمانان شروع و با بهاییان، دراویش، مسلمانان سنی و شیعیانی که معتقد به ولایت نفاق و شیادی نبودند ادامه یافت. یعنی مخالفت با دستور اکید خداوند در نهی ظلم و شکنجه و قتل.

وقتی خداوند از روح مقدس خود به کالبد مخلوق میدمد، بفرمایش قرآن باو حق حیات داده است، یعنی حق زندگی، یعنی حق استفاده از امکانات، و اگر غیر این بود، خالق هستی در قرآن استثنایی برای حیات و روزی مقرر میداشت چرا که خداوند خود را "رزاق" مینامد نه "رزاق المومنین"، خود را مسول روزی به همه مخلوقات معرفی میکند، حتی به کافران، نه فقط به شیعیان صفوی سازنده ولایت سفیه! خداوند از سرنوشت و عاقبت همه مخلوقاتش با خبر است، از پیش میشناسد دوزخیان و بهشتیان را. به بیان دیگر "براساس قانون خدا و خلقت هیچ شخص یا حکومتی، بجرم اختلافات مذهبی، اعتقادی، نژادی، سیاسی و فرهنگی، حق سلب حیات، آزادی و امکانات زندگی از مردم را ندارد".

همزمان، حذف فیزیکی مخالفین سیاسی، عقیدتی و حتی همکیشان منتسب به حلقه اصلی قدرت آغاز شد، قتل پدران و فریب فرزندان و استفاده از آنها در حفظ نظام. انهدام حزب جمهوری و نخست وزیری، ترور مطهری، مفتاح، لاهوتی، ... البته همه باسم منافقین وابسته به آمریکا، انگلیس و اسراییل و شوروی آتزمان! و البته برای فریب و اطمینان از باور عوام، چند حادثه ساختگی برای خود!

و فقیهان تاجر دین، تجاوز به مال و جان و ناموس مردم را حلال کردند، بیش از ۳۰ هزار بیگناه اکثرا بین ۱۵ تا ۳۵ سال در مدت چند ماه قتل عام شدند، و با وقاحت هزینه تجاوز قبل از اعدام دختران معصوم، به والدین آنها پرداخت شد! جوانانی اکثرا در سنین بلوغ، پرشور و بدنبال مدینه فاضله، تنها گناهشان فهم و درک سریع اختناق، فساد و بیعدالتی در نظام بود. خانواده هایشان تکفیر و از حق حیات و زندگی محروم، تهدید بسکوت و بتدریج در حوادث ساختگی بقتل رسیدند. و جنایت باشکال متنوع ادامه یافت، مسمومیت، سکت، تصادفات ساختگی، بیحرمتی و تهمتهای اخلاقی، اتهام جاسوس اجنبی، اعدام باسم دشمن خدا، پیغمبر و امام زمان و گاه قاچاقچی.

۲. **خرافات، شیادی، فریب و سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم:** همزمان، فریب مردم با سلاح اصلی ادامه داشت، خرافات، خرافات، خرافات ...

۱.۲ **افزایش امامزاده ها** از حدود ۸۰۰ به بیش از ۱۶ هزار و ضریح های سیار، بیش از ۱۰۰ هزار بقعه، بعنوان بهترین محل جمع آوری پول و سرگرم کردن عوام. مردم برای شفا و حاجت و گرفتاری به امامزادههای واجب التعظیم حواله شدند و خود برای بررسی ساده سلامتی و عیش و نوش در سفر به دیار باصطلاح کفر!

۲.۲ **ساخت اماکن متبرکه متنوع و ساختن احادیث و ختومات جهت ترغیب عوام به زیارت، حفر چاههای نقب دار اضافی در جمکران برای دسترسی آسان به ذورات عوام، رفتن ۴۰ شب سه شنبه به مسجد جمکران و تکرار ۳ دوره برای حاجات! ...**

۳.۲ **انتشار وسیع کتابهای متنوع ختومات و طلسمات، افزایش دعا نویسان، جادوگران، افراد باصطلاح باطن دار و سیدها ...**

۴.۲ **ایجاد جو سوگواری و عزاداری در جامعه برای منحرف کردن افکار از فقر و بدبختی:** افزایش تعطیلات وفات امامان و حذف تعطیلی تولدها! یعنی شلوغی مساجد و حسینیه ها، مراکز اصلی حیات حکومت! یعنی رونق بازار حوزه های علمیه و مداحان در دین فروشی و خرافات. سهم مردم، عزاداری و گریه و سینه زنی و جدال در صفهای طولانی برای غذای نذری و سهم دین فروشان، ثروت و تفریح در دیار کفر! ساختن روایات عدیده در ثواب خوردن غذای نذری! ساخت روایات و داستانهای جدید از شهادت و قوت امامان، فرزندان، خانواده و اصحاب. حسین علیه السلام قویترین و بهتوین وسیله ای شد برای شیادی، فریب و گریاندن عوام، برای تجارت خرافات در پوشش دین. بعد از گذشت ۳۰ سال از جنگ هنوز تشیع جنازه های ساختگی و دفن چند تکه استخوان در گوشه و کنار شهرها، دانشگاهها و مراکز تفریحی جهت زنده نگهداشتن جو عزاداری ادامه دارد. خنده و تفریح بر عوام حرام شد. تفریح یعنی دسیسه دشمن برای دور کردن مردم از مساجد، و خالی شدن مساجد، خطرناک برای ضعف و سقوط نظام شیادی و خرافات. ممنوعیت کنسرتها، چرا که هم باعث شادی و هم اشتغالزایی عده ای از جوانان میشود که هر دو خطیست برای نظام خرافات.

۵.۲ رونق مداحی و داستان سرایی، موج عظیم متخصصین و فارغ التحصیلان بیکار دانشگاهها فراموش و سرکوب شدند و در مقابل گروههای مداحی، سینه زنی، تشیع جنازه، لباس شخصی، بسیجی، حافظان حریم ولایت، امر بمعروف و نهی از منکر، مراکز کشف سیدها در اروپا، امریکا، افریقا، استرالیا، ... مجمع های اهل بیت، ثقلین، تقریب مذاهب... با درآمد های نجومی شکل گرفت، حرفه های کاذبی که نه سواد میخااهد، نه علم، نه فن و نه تخصص. افرادی که فقط حضورشان در صحنه مهم است برای ایجاد ترس و وحشت و سرکوب عوام، قتل و غارت. و درآمد سرشار نفت مستقیما به حساب باصطلاح مراجع تقلید و فقیهان، حوزه های علمیه، و مراکز مذهبی وابسته روانه شد.

۳، ثروت اندوزی خواص با سرمایه های عوام و فقر مردم: با هدف کنترل و هدایت عوام در جهت منافع نظام، چرا که ملت گرسنه و فقیر مجبور به اطاعت از شیادان بیسواد، شرکت در مراسمهای مذهبی، سخنرانیها، راهپیماییها و مساجد و حسینیه ها برای دریافت غذای رایگان و سیر کردن خانواده است. افزایش نگرانی و استرس در جامعه و بالطبع شیوع نزاع و درگیری خیابانی ... همه با هدف ایجاد اختلاف بین مردم.

مغز متفکر شیادی نظام دینی بدنیاال بهترین راه برای غارت سرمایه های مردم بود، و صندوقهای قرض الحسنه، مراکز مالی اعتباری و شرکتهای سرمایه گذاری بشکل وسیعی در کشور افتتاح شد، با وعده های افسانه ای. و عوام بی خبر از همه جا تمام پس انداز خود را به مراکزی که نام خدا و قران و اهل بیت را یدک میکشید منتقل کردند، حتی با فروش منازل. مراکز مالی با دزدیدن سرمایه های مردم اعلام ورشکستگی کرده و عوام بعلت اعتراض به دزدی حکومت اسلامی و از دست دادن سرمایه هایشان ضرب و شتم، دستگیر، زندانی و شکنجه شدند و بسیاری هم بعلت از دست دادن کل زندگی دچار بیماریهای روحی روانی، خودکشی و سخته.

خواص بدیار کفر مهاجرت کردند و سرمایه های عوام برای رفاه و عیش و نوش آنها، باسم اختلاس سریعا به خارج از کشور منتقل شد، زندگی با غیر مسلمانان در دیار باصطلاح کفر و غرب وحشی! و تجارت با شیطان بزرگ و یهودیان حلال شد!

۴. جنگ و ناامنی: تضمین حیات حکومت خرافه، جنایت و فساد به ناامنی، جنگ و خونریزیست. دشمن فرضی و ایجاد جو امنیتی بهترین پوشش برای سرگرم کردن، مهار و سرکوب عوام است. و حفاظت و حمایت از رهبران گروههای تروریستی همچون طالبان، داعش، اخوان المسلمین، حماس، حوثی ... و حتی قاچاقچیان بین المللی مواد مخدر و دارو در ایران با سرمایه های مردم فقیر ایران برای هدایت جنگ و ناامنی در جهان. و عوام نمیدانند که تفریح فرماندهان حزب الله جنوب لبنان در ایران چیست! و سرویسهای امنیتی کشورهای دیگر شاید ندانند که مشاورین لبخند به لب آنها در کشف حملات تروریستی خود سازنده گروههای تروریستی و مسببین ترور و وحشت در دنیا هستند.

و چنین شد سهم عوام: راهپیمایی و شعار، رفتن به مساجد، حسینیه ها و امامزاده ها، عزاداری و سوگواری، سینه زدن، جنگیدن، دفاع از اموات، ضریح و امامزاده ها، انفجار انتحاری و کشتن مردم بیگناه، و سکوت در برابر فقر و فساد و جنایات نظام... و یا بیحرمتی، زندان، شکنجه و اعدام.

و سهم خواص، حیف و میل بیت المال، تفریح، عیش و نوش ...

همزمان با حقوق اندک عوام، لازم بود به عده ای از خبرچینان آنان کمکهای مالی شود ولی مخفیانه در غالب کارتهای هدیه، در دست کارمندان حراست و گزینش، بسیج و معشوقه هایشان!

و عوام میدانند که **تصمیم گیران سرنوشت آنها یا معنادند یا تاجر مرگ**، اینست که در خُماری طرح کمر بند شیعه میدهند و در هوشیاری صدها هزار نفر بیگناه را آواره و قتل عام میکنند تا **جنایتکاری چون اسد به قتل عام مردم ادامه دهد.**

و هیئات بر عوام!

و اما چند نکته ای در مورد حکومت از نظر خدا

۲۷ سال فریب عوام با تلقین خرافه ای بنام ولایت فقیه، مشابیه ولایت پاپ قرون وسطی اعتقاد بان کلید بهشت و نفی آن دشمنی با خدا، تکفیر، شکنجه و مرگ، کشور و مردم را به نابودی و بدبختی کشاندند. جالب اینجاست که ابداع کننده این نظریه خود قبل از مرگ به اشتباه بودن آن اعتراف کرده و به مبارزه با فقیهان شیاد پرداخت.

خداوند بعنوان تنها خالق هستی و قادر متعال، حکومت و پادشاهی را مخصوص خود و پیامبرانش و اولی الامر میدانند، آل عمران ۳۲، و در آیات متعدد دیگری خصوصیات اولی الامر را بیان میکند. هیچ آیه ای مبنی بر میراثی بودن حکومت وجود ندارد و برعکس، در آیات متعددی همچون فرزند نوح، قاطعانه آنرا رد کرده و او را بعثت الوده شدن به فساد مستحق عذاب میدانند. و گاهی به خلع و عذاب فرستادگانی اشاره میکند که پس از مدتی براه شیطان رفته و به فساد آلوده شده اند. بر اساس قرآن حکومتی مورد تایید خداست که در پرتو آن مردم بتوانند به حق و حقوق خود نایل گردیده و کسی نتواند براحتهی به حقوق آنها تجاوز و ظلم و ستم کند. همچنین اداره حکومت باید توسط افرادی باشد که علم، صلاحیت و توانمندی لازم را داشته باشند.

حکومت از واژه حکم (امر) گرفته شده بمعنای منع و جلوگیری از ظلم و ستم (معجم مقاییس اللغة ج ۲، ص ۹۱) و حاکم کسی ست که ستمگر را از ستمگری باز دارد و جلوی ظلم را بگیرد (لسان العرب ج ۳، ص ۲۷۰). و خداوند در آیات متعدد شرایط اولی الامر یا صاحبان حکم و امر یا حاکمان را چنین ذکر میکند: ایمان، تقوی، عدالت، انجام عمل صالح، نیکو و پسندیده، اجتناب از استبداد و خودکامگی، اجتناب از ظلم و ستم، مشورت با مردم، عفو، ایثار و کمک، تواناییهای علمی و جسمی. نساء ۵۸، اعراف ۲۸، یوسف ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۷۸ و ۷۹، نور ۵۵، آل عمران ۱۵۹، بقره ۲۴۶ و ۲۴۷، ... براساس قرآن هواپرستی، بیعدالتی، جنایت، ظلم و فساد از موارد ساقط شدن حکومت و حاکمان از مشروعیت است، ص ۲۶، نساء ۵۸.

قرآن بمردم دستور میدهد که در صورت ظلم حاکم و طرفایان و تلاش آنها برای فساد و تباهی جامعه و نقض حقوق مردم، بر علیه حکومت و حاکم ظالم قیام کنند، ابراهیم ۲۲. خالق هستی دستور به برائت و عدم پذیرش طاغوت و حاکم فاسد داده و براساس تفسیر مفسر بزرگ قرآن مرحوم علامه طباطبایی، کفر به طاغوت تنها با قلب حاصل نمیشود بلکه نیازمند به رویارویی عملی و مبارزه با آن است.

خداوند اطاعت، مودت، فرمانبرداری، رضایت و خشنودی، میل و رغبت، نزدیکی و چابکدستی ظالم را شدیداً نهی (هود ۱۱۳) و آنرا مساوی با پرستش و عبادت ظالم دانسته (زمر ۱۷) و به دولتمردان هشدار میدهد که مبادا مصالح مردم را نادیده گرفته و در پی مصلحت و خواسته های خود باشند (ص ۲۶).

به بیان ساده تر، **حکومت خدا، حکومت مردم بر مردم برای مردم است و لا غیر.** حضرت علی وقتی ردای خلافت به تن کرد که مردم او را انتخاب کردند. هیچ نقلی از شیادی، ظلم و فساد، بیعدالتی و قضاوت ناحق در حکومت علی نیست، حتی اگر شخصی به گناه بزرگی اعتراف کرده و تقاضای اجرای حد مینمود، علی برایش آمرزش خواسته و او را توصیه به توبه میکرد. ولی دین فروشان امروز، زوجی را بعد از سالها زندگی و فرزند بجرم ارتباط نامشروع قبل از ازدواج سنگسار میکنند.

اگر خدا میخواست فرامین خود را با حیله و شیادی، تفاق و دروغ ترویج کند، بجای علی که به عدالت، مردانگی و صداقت شهره بود، عمروعاص انتخاب میشد.

و اگر خدا میخواست دین خود را با مال حرام و ظلم و فساد تبلیغ کند فرعون بجای موسی و ابوسفیان بجای پیامبر که به امانتداری شهره بود، انتخاب میشد.

جمع کنید این بساط خرافات، دزدی، فساد، شیادی، دروغ، نفاق، قتل و جنایت را بنام خدا و دین، که بوی تعفن آن جهانی شده. کم نیستند افرادی چون حاج طوسی که خود قربانی قربانیان دیگرند و باعث قربانی شدن سایر کودکان بیگناه، و این سیکل معیوب ادامه دارد زیر پوشش دین و مذهب تا زمانی که عوام تابع خرافات باشند.

شاید عوام نمیدانند:

* که صورت و بدن زنان و دختران بیگناه معصوم آنها را با اسید میسوزانند، یعنی محکوم به درد، نقص عضو و بیماری مادام العمر، تا مبادا تجارت دین و خرافه فقیهان بخطر بیافتد، ولی برای توجیه بی حجابی و بی بند و باری خواص ساکن دیار باصطلاح کفر فتوای حلال بودن کشف حجاب میدهند!

* که کارگران را بخاطر اعتراض به ماهها حقوق و دستمزد معوقه تهدید و زندانی میکنند، شلاق میزنند، در مقابل موج روزافزون فقر، کارتن خوابها و قبرستان خوابها سکوت کرده و آنرا توطئه امریکا، اسراییل و منافقین میدانند ولی به معشوقه های خواص در دیار کفر باسم اسلام و قرآن و به بهانه جلب محبت کفار، ویلا هدیه میدهند.

* که دختران و پسرانشان بجرم شادی و لحظه ای همنشینی شلاق میخورند، آبرویشان ریخته، از تحصیل محروم و زندگیشان چون تار مویی متلاشی میشود ولی خواص با تورهای مخطلط اهدایی ولی فقیه در دیار کفر خوشگذرانی میکنند.

* که اکثریت عوام و ایرانیان متخصص مقیم خارج از کشور، **مدهوش رشوه های بسیار کلان ولی فقیه** شده اند خصوصا تجار ورشکسته، برخی از سلطنت طلبان قدیم، کسانی که حتی خدا را باور ندارند، و وظیفه ای جز زیبا جلوه دادن حکومت فساد و خرافات و مخفی کردن فقر و بدبختی عوام در ایران ندارند.

* که عوام با کوچکترین خطایی که ناشی از فقر و تنگدستی و بیماریست سریعاً دستگیر، زندان، شکنجه و با حکم حوزویان فاقد علم و تابع هوای نفس که بناحق بر مسند قضاوت تکیه زده اند محکوم به قطع عضو و اعدام میشوند (مرحوم محمدعلی و مرحوم علیرضا ۲۰ و ۲۲ ساله، هر دو سرپرست خانواده، تهیه پول برای مادر بیمار بستری در بیمارستان)، ولی پاسخ جنایات، فساد، دزدی و اختلاسهای کلان خواص ولایت با سکوت، عفو ملوکانه، سلام و صلوات و بدرقه به دیار کفر! (قتل مرحوم خسرو میربیگ مامور نیروی انتظامی توسط محسن فلاحیان و پسر عمیش برای پنهان ماندن فساد اخلاقی فرزند آیت ...)

* و عوام بجای دفاع از خود و فرزندانیشان یا سکوت میکنند و یا بعنوان تفریح خانوادگی جان دادن جوانانشان را بر بالای چوبه های دار ثبت میکنند، و عوام بدون توجه به سابقه خواص جنایتکار، آنان را دارای روح بلند میخوانند (سلاخی شهید عزت الله ابراهیم تژاد فارغ التحصیل حقوق قضایی توسط عضو حزب ... دیروز و کارگردان اصلاح طلب امروز).

هیئات بر عوام! که منشاء بدبختی عوام خود عوامند.

* که **خداوند سرنوشت همه مردم را بدست خودشان سپرده**، جایی که میفرماید: "ان الله لا یغیر بقوم حتی یغیر ما بانفسهم" (رعد ۱۱) یعنی **خداوند وضع و حال هیچ قومی را عوض نمیکند مگر آنکه انسانها خودشان وضع و حالشان را تغییر دهند**، به بیان ساده تر، هر ملتی لایق زمامداران خود است.

* که در سپاه یزید برای حسین عزاداری میکنند و اگر تا قیام قیامت هم سوگواری و سینه زنی کنند وضعیتشان روز بروز بدتر خواهد شد، که این **نه ثواب بلکه تجارت خرافه شیادان** است، چون هدف اصلی مشغول کردن عوام در فقر و خرافات است..

* که هیچ کشور و نیروی غیبی توان کمک بانها را ندارد جز اراده و توان خودشان. طعم رشوه های ولی فقیه از پول بیت المال چنان همه را سرمست کرده که بجای اجرای عدالت و دفاع از مظلوم، خوش خدمتی را ترجیح میدهند.

* که اگر باین سکوت و خرافه پرستی ادامه دهند، روزی خواهد رسید که برای نجات از مرگ و گرسنگی، شیادی فتوای حلال بودن مصرف گوشت اموات را صادر میکند، چنانچه دیکتاتور کره شمالی بعد از حدود ۶۰ سال، خوردن سگ و گربه خیابانها را برای مردمش آزاد کرد. مردم فقیری که قربانی خرافات اجدادشان در اطاعت مطلق از حکومت ولایی خانواده کیم، فرستاده از طرف خدایان، میباشند، امروز سهمشان شاید یک وعده غذا در روز هم نباشد.

* که خدا، پیامبر، معصومین و امام زمان این فقیهان در ۲ چیز خلاصه است: منافع مادی و جنسی. باطبع تمام احادیث، روایات و فتواها برای حفظ قدرت و منافع است، بر اساس فتوای دیروز خاویار حرام و امروز حلال چرا که خود مصرف میکنند و سود میبرند، دیروز قمار حرام و امروز حلال، چرا که سود شرط بندی ها به جیب وابستگانیشان است. بر اساس جدیدترین روایات ساخته شده (چاپ در رجا نیوز) ظهور امام زمان امروز با مجهزترین سلاح های لیزری و اتمی است بجای اسب و شمشیر روایات دیروز، خصوصیات سفیانی امروز چشمان آبی، مسیحی، .. و حتی اشاره به نام سرلشگر طلاس مخالف اسد جنایتکار، و سفیانی دیروز موجودی عجیب الخلقه، ...

مصرف میلیاردها دلار سرمایه های مردم فقیر برای راه اندازی شبکه های ماهواره ای جهت باصطلاح تبلیغ اسلام که مثل علف هرزه روییده و فقط به فحاشی و تهمت به همدیگر مشغولند.

هیئات بر عوام که بخاطر خرافه پرستی هم در دنیا در فقر و بدبختی و هم در آخرت در عذاب!

و اما عوام،

هنوز در حال راهپیمایی و شعارهای دشمن شکن، بر علیه دشمنان فرضی معرفی شده از طرف خواصند، و با تکرار اعتماد و رأی دادن به خواص مشت محکمی بدهان امریکا و اسراییل و منافقین فرضی میزنند!
هیئات بر عوام!

و اما خواص،

دزدان فاسد جنایتکار منافقی که در احساس خطر با مظلوم نمایی و لبخند مضمّن‌کننده در نقش اصلاح طلب شعار صلح و آرامش و آزادی و مبارزه با تروریست میدهند، ولی با اطمینان از فریب دوباره عوام و سران کشورهای جهان و ثبات قدرت خود، با شدت و قدرت بیشتر به فساد و جنایت ادامه میدهند.
با احتمال خطر آگاهی عوام و شورش و انتقام، اختلاس و انتقال سرمایه های کشور به خارج را تسریع کردند، و با اسامی متفاوت مقیم دیار کفر شدند، و ادامه شیادی دین فروشان با اغفال و فریب عوام دیار کفر! البته با روش بسیار متفاوت و نوین! با لبخند و صلوات، و شیادانه تر با لباس شخصی و کروات یا پوشیدن ردای رنگی، حلال شدن شراب و کشف حجاب و ...، رشوه ها و تورهای تقریحی هدایی ولایت، تاسیس مراکز مالی اعتباری و اعطای وامهای کلان بلاعوض، بورسیه های تحصیلی، پرداختهای بسیار کلان دوره ای به مراکز مذهبی، سیاسی، دانشگاهی و آموزشی، خیریه ها، هنر پیشه ها ... همه باسم ولایت و با هدف جلب محبت و زیبا جلوه دادن چهره جنایت و فساد و نفاق.
و متأسفانه عوام دیار کفر مجذوب **محبت‌های مالی** ولایت شدند، و نفاق و شیادی ادامه دارد تا رسیدن به **هدف اصلی، یعنی نابودی ...**

ولی مردم باید باور داشته باشند که **میتوانند خیلی سریع باین فقر و بدبختی پایان دهند اگر متحد شوند و از خرافات پرهیز کنند. باید ریشه خرافات، نفاق و دروغ نابود شود.** باید نفوذ دین در امور سیاسی و اجتماعی کاملاً از بین برود. مراسمها، پیوندها، عقاید و نیایشهای مذهبی و کلا دین و دستورات مذهبی امری شخصی ست نه اجتماعی، نه حکومتی، نه سیاسی، نه اقتدایی، نه قضایی و نه نظامی و دین حق دخالت در هیچ حوزه ای از جمله دانش، قانون و سیاست را ندارد.

بعنوان اولین قدم:

۱. **تحریم مساجد و حسینیه ها، امامزاده ها و تمام مراسمهای باصطلاح مذهبی و انجام دستورات دینی در منازل، همچنین تحریم همه راهپیمایی ها:**

* امروز **مساجد و راهپیمائیها** جولانگاه خانواده هایبست که بدون هیچ علم و حرفه ای دارای مدارک دانشگاهی، حقوق و درآمد های نجومی و رانتهای کلان دولتیند و بشکلهای مختلف نقش بازی میکنند، گاهی بسیجی، گاهی دلواپسان ارزشهای انقلاب، گاهی تشییع کننده تابوتهای خالی از جنگی که بیش از ۳۰ سال از پایان آن گذشته، و گاهی حلقه های اطراف دین فروشانی بنام مداح و سخنران، و البته گاهی در چهره واقعی در دیار باصطلاح کفر در اوج فساد و بی بند وباری و حیف و میل بیت المال همراه با کمونیستهایی که افتخارشان نوشیدن بهترین و گرانترین شراب با پول ولی فقیه است. شاید مقاومت در برابر رشوه های کلان ولی فقیه عملاً غیر ممکن باشد حتی برای کارمندان قدرال و سرویسهای امنیتی ایالات متحده امریکا در طول ۸ سال گذشته.

* امروز **مساجد و راهپیمائیها** محل اصلی تجمع دین فروشان، منافقان، دزدان اقتصادی، جنایتکاران و متجاوزان به نوامیس عوام است، محل تجاوز به امثال طوسیها و کودکان بیگناهی که قربانی خرافه پرستی پدران و مادرانی شده اند که دین خدا را در ظاهر جستجو میکنند در چند تکه پارچه سیاه و سفید، محاسن صورت، روضه، سوگواری، سینه زنی، میله های ضریح، ...

* امروز **مساجد و راهپیمائیها** محل تجمع تجاریست که که بجای خدا برای رانتهای دولتی و چند خط سفارش و امضای شیادان دین فروش سجده میکنند.

* امروز **مساجد و راهپیمائیها** محل جوانان بیکار سرگردانیست که بامید واهی استخدام و ادامه تحصیل و عبور از سد فساد گزینش و حراست، مجبورند در مقابل بسیجیان حضور یابند.

* امروز مساجد و راهپیمائیه‌ها محل شیادان و دین فروشان بیسواد نیست که با سوء استفاده از احساسات مذهبی عوام، با معرکه گیری و مداحی صاحب میلیاردها رانت دولتی میشوند.

* امروز مساجد و راهپیمائیه‌ها محل شیادان دین فروش نیست که با هدف کنترل عوام، بیکاری و اعتیاد و فساد و فقر و بدبختی را به کشور تحمیل کرده و با دزدیدن سرمایه های مردم به عوام غذای رایگان میدهند.

* امروز رفتن به مساجد و راهپیمائیه‌ها حمایت از ظلم، فساد، دزدی، نفاق و جنایات شیادان نیست که فقط در فکر افزایش قدرت و ثروت خود و سرکوب و کنترل مردم و گسترش فقر و بدبختی در کشورند و به تنها چیزی که نمی اندیشند زندگی عوام، اعتیاد، بیکاری و بیماری جوانان است.

متأسفانه شاید مرم نمیدانند هر محل و مسجدی خانه خدا نیست، و اینها شیاطینی هستند در نقش خدا. و چنین شد که پیامبر یکی از ۲ مسجد زمان خود را ویران کرد.

۲. پرداخت مستقیم خمس و زکات به افراد مستحق، بدون واسطه رهبران مذهبی و حوزه ها، عدم انجام وقوفات توسط حوزه های علمیه و اوقاف:

خمس و زکات شما بجای پرداخت به فقرا و مستمندان، قبرستان خوابها، کارتن خوابها، اشتغالزایی و ازدواج جوانان... برای تجدید فراش، رفاه معشوقه های صیغه ای، تجارت و رفاه وابستگان در دیار باصطلاح کفر، جنگ و ویرانی و کشتار مردم بیگناه سوریه و یمن، کمک به گروههای تروریستی، ترور و قتل عام بیگناهان بکار میرود. اکثر ساختمانها و زمیهای وقف شده بعد از مدتی با تغییر کاربری و با قیمت بسیار پایین به مصارف شخصی خواص، حوزویان، مداحان، سران کشور و نظامیان درآمد آمده اند.

۳. تحریم خواندن نماز در مراکز آموزشی و دولتی

با چاپ هر کتاب و مطلبی در افشای خرافات، فساد و جنایات حکومت ولایت فقیه، همچون قرون وسطی، نویسنده آماج تهمت‌ها قرار گرفته و توسط فقیهان تاجر دین تکفیر میشود. راهپیمایی وسیع توسط میلیاردرهایی بنام بسیجی، دلواپسان نظام و خواهران زینب در حمایت از ولایت شیادی و فساد و محکوم کردن آمریکا و اسراییل و منافقین انجام میشود. از تهدید و تهمت نهراسید که تنها حربه ادامه حیات حکومت نادانی و خرافه نفاق، تهدید، تهمت و جنایت است. امروز وظیفه خواهران زینب بسیار خطیر است، همراه میلیاردرهای دلواپس نظام با چادر و مقنعه برای دفاع و حفظ ارزشها!، در رای گیریها با بدترین حجاب در حال حمل عکس و پلاکارد برای نشان دادن آزادی در حکومت خفقان و دیکتاتوری!، و در خارج از کشور بعنوان طعمه و تله های جنسی برای سیاستمداران و مسولین کشورها!، و چنین است که مخالفین سیاستهای تروریستی نظام مجبور به سکوت دائمی یا استعفا میشوند. زینبیان، یا خانواده های میلیاردرهای بسیجی و دلواپسانند و یا دختران بی پناه عوام که خود در تله مهمانیهای مخطلط سازماندهی شده توسط سپاه و اطلاعات افتاده و مورد سوء استفاده قرار گرفته اند.

و سخن پایانی گوشه ای از وصیت نامه پادشاه دادگستر ایران زمین کوروش کبیر، به فرزندانش و مردم ایران است، کسی که مرحوم علامه طباطبایی از او بعنوان یکی از پیامبران خدا، ذوالفرنین، نام میبرد، کسی که میراث او اولین منشور حقوق بشر جهان است، کسی که برای کشورش صلح و آرامش و رونق برای مردمش دانایی و خوشبختی و برای دوری آنها از دروغ و نفاق دعا کرد:

“همواره حامی کیش یزدان پرستی باش ولی هیچ قومی را مجبور نکن تا از کیش تو پیروی کنند و پیوسته بخاطر داشته باش که هر کس باید آزاد باشد و از هر کیشی که میل دارد پیروی کند. لذت بخشترین شادیهای عالم در عمرم در یاری به مردم، خوشدلی و اسایش و نیکی به دیگران بود. هرگز دوستان و ندیمان را به کارهای مملکتی نکمار. هرگز دروغ و تملق را بخود راه مده و بدون ترحم دروغگو و چاپلوس را از خود بران. امر آموزش که من شروع کردم را ادامه بده و بگذار اتباع تو بتوانند بخوانند و بنویسند تا اینکه فهم و عقل آنها بیشتر شود.

زنهار زنهار، هرگز خودت هم مدعی و هم قاضی نشو و موافقت کن یک قاضی بیطرف قضاوت کند زیرا کسی که مدعیست اگر حکم کند ظلم خواهد کرد. هرگز از آباد کردن کشور دست بردار که بسمت ویرانی میرود. عفو و دوستی را فراموش نکن و بدان که بعد از عدالت برجسته ترین صفت پادشاهان عفو است. ولی عفو باید وقتی باشد که کسی بتو خطایی کرده که اگر به دیگری خطایی کرده و عفو کنی ظلم کرده ای زیرا حقی را پایمال کرده ای. پیکرم را مومیایی نکنید و درمیان سیم و زر نگذارید و زودتر بخاک بسپارید. همواره مردم را دوست داشته ام و شادمانم که با خاکی که به مردمان نعمت میبخشد آمیخته گردم.

خداوند این کشور را از دشمن، خشکسالی و دروغ محفوظ بدارد.

شیادان تاجر دین باید بفهمند که **ایران سرزمین کوروش بزرگ است نه محل خرافات و فساد و جنایت.** و با اتحاد و تلاش فرزندان کوروش بزرگ، ایران دوباره سرزمین سبزی خواهد شد پر از صلح و دوستی برای همه اقوام ایرانی. بامید بیداری و تلاش مردم که ادامه این خواب و خرافه پرستی، بدبختی بیشتر خود و نسلهای آینده و ویرانی کامل کشور خواهد بود.

دکتر حمید رضا قضاوی

شنبه ۵ بهمن ۹۵ ، ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷

واشنگتن دی سی، آمریکا